

نگاهی به فیلم «دختر پری خانم» ساخته علیرضا معتمدی

اندر مصائب پسر مینو خانم

کریمی | علیرضا معتمدی با ساخت تنها سه فیلم، به یک امضای شخصی در سینما دست پیدا کرد؛ فیلم‌سازی که از همان نخستین تجربه خود، مؤلفه‌های ثابتی را به جهان آثارش پیوند زد. مؤلفه‌هایی که حتی با تغییر ژانر، اما تم‌ها، فرم، ریتم و یک جهان‌بینی واحد همچنان در آن‌ها تکرار می‌شوند و قابل شناسایی باقی می‌مانند. این تداوم و آگاهی در مسیر فیلم‌سازی، روندی مشخص به کارنامه او داده، تا جایی که امروز با نمایش تازه‌ترین فیلمش، به‌سادگی می‌توان آن را در امتداد دو اثر

پیشین و با همان نشانه‌هایی دید که حالا به شناسنامه سبک شخصی او بدل شده‌اند و در نهایت می‌توان از «رضا» تا «چرا گریه نمی‌کنی؟» و حالا «دختر پری خانم» را یک سه‌گانه متصل به هم دانست.

فیلم‌های معتمدی بیش از آنکه روایت خطی از زندگی باشند، بر پایه خاطره، رؤیا، ترس، احساس و وسواس شکل می‌گیرند و با ژاناب متمرکزی از شیوه زیستن و در نهایت یک اتوبیوگرافی شاعرانه و ذهنی از فیلمساز هستند تا شکلی گزارشی و روایت‌گونه از زندگی. از سویی دیگر جهان آثار معتمدی بیش از آنکه داستان محور باشد، ذهنی است و تیلوری از دنیای درونی شخصیت‌ها. او در فیلم‌هایش بر بحران‌های درونی، تنهایی، میل به جمع‌گریزی، طلب عشق و دوری از آن، شکست عاطفی و سکون تأکید دارد و شخصیت‌هایش اغلب نسخه‌های مختلف یک «من واحد» هستند.



علیرضا معتمدی در هر سه فیلمی که ساخته، نه‌تنها خودش نقش اول قصه بوده، بلکه جهان شخصی‌اش را نیز بی‌واسطه پیش روی مخاطب قرار داده است. اما اینکه چطور مخاطب توانسته او را و جهان منحصر به فرد او را بپذیرد دقیقاً به این نکته برمی‌گردد که معتمدی بیش از هر کسی این جهان را می‌شناسد و می‌داند چگونه از پس روایت داستان و خلق و بازنمایی پنهانی‌ترین احساسات و عواطف انسانی بربیاید و چگونه مخاطب را به درون حبایی دعوت کند که در آن، دنیا رنگ و بویی فانتزی دارد.

«دختر پری خانم» در سه پرده روایت می‌شود. آغاز فیلم با داستان «پسر مینو خانم» است؛ مردی تنها در خانه‌ای بزرگ و نسبتاً متروک که از مادرش - که بر اثر تصادف به کما رفته - مراقبت می‌کند. داستان در روزهای کرونا می‌گذرد و رضا به جز پرستار مادرش، کسی را به خانه راه نمی‌دهد.

او تقریباً کار و بار را تعطیل کرده و هر روز مشغول ضبط یادگستی از خاطرات کودکی‌اش است و صداهایی را که تداعی‌کننده جریان زندگی‌اند، ثبت و برای مادرش پخش می‌کند تا شاید شنیدن صدایی آشنا او را به زندگی بازگرداند.

در انتهای این فصل، دختر پری خانم وارد داستان می‌شود؛ زنی که مرد قصه از کودکی عاشقش بوده و حتی دو بار با او ازدواج کرده است!

در پرده دوم با عنوان «شهر هشیاران»، فضای فیلم به‌سمت نمایش‌نامه‌خوانی و تئاتر متمایل می‌شود؛ از روایت طاووس و حکیم گرفته تا رجاع‌هایی به عرفان و فلسفه. با پررنگ‌تر شدن حضور دختر پری خانم، جهان فیلم به‌تدریج از فضای غمگین و ایستای مردی تنها فاصله می‌گیرد و به شکلی هنرمندانه به‌سمت جهان زنانه قصه متمایل می‌شود.

در وانفاسی کرونا و تلاش‌های بی‌وقفه مرد برای بازگرداندن مادرش به زندگی؛ سر و کله فرشته آرزوها پیدا می‌شود. شخصیتی که با بازی مرضیه برومند، جان تازه‌ای به داستان می‌بخشد. مرد در کودکی دو آرزو کرده بود که در ۴۰سالگی برآورده شود.

حالا فرشته اینجاست که آرزوها را محقق کند؛ آرزوهایی که دیگر بازگشتی از آن‌ها نیست! ریتم فیلم که تا میانه‌های داستان و پیش از ورود «فرشته آرزوها» کند و کشدار پیش می‌رفت حالا با حضور فرشته و برآورده شدن آرزوی دوم مرد، فضای سرخوشانه و ضرباهنگ بهتری پیدا می‌کند.

معتمدی در این فیلم هم‌روی مفاهیمی همچون تنهایی، عشق و آرزو دست گذاشته است؛ اینکه آرزوها از کودکی تا بزرگسالی چطور دستخوش تغییر می‌شوند و حالا در آستانه ۴۰سالگی و در حالی که زندگی پسر مینو خانم سر و سامانی هم ندارد، اما دیگر نه آرزوی اولش را می‌خواهد و نه علاقه دیکته شده عشق کودکی‌هایش را. او حاضر است همه چیزش را بدهد تا مادرش از کما بیرون بیاید و در نهایت، این عشق است که به شکلی معجزه‌آسا بار دیگر او را نجات می‌دهد.

اما همچنان یک پرسش باقی می‌ماند: آیا باید پرورنده سه‌گانه شخصی علیرضا معتمدی را با «دختر پری خانم» ببندیم یا منتظر بی‌قیدی و رهایی دگرباره او در نقش و فیلمی تازه/ تکراری باشیم که اگر از هر چیز این دنیای پرملاز و بی‌امید دل بریده باشد، تناقض و علاقه جالبش به ازدواج و فرزندآوری همچنان پابرجاست! شما موافق تکثیر شخصیت‌هایی چون رضا (رضا)، علی شهناز (چرا گریه نمی‌کنی؟) و پسر مینو خانم (دختر پری خانم) هستید؟

فرهنگ و هنر

گفت‌وگو با تهیه‌کننده فیلم سینمایی «کارواش»

که از یک بحران اقتصادی می‌گوید

پولشویی روی پرده نقره‌ای

صبا کریمی | فیلم سینمایی «کارواش» به کارگردانی احمد مرادیور و تهیه‌کنندگی بهروز مفید با فیلم‌نامه‌ای از عباس نعمتی، از تولیدات بنیاد سینمایی فارابی است که با مشارکت سازمان امور مالیاتی ساخته شده و نخستین رونمایی از آن در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است.

مرادپور فیلم‌هایی همچون «سجاده آتش»، «رنجر» و «کارو» را در کارنامه خود دارد و فیلم تازه او «کارواش» در ژانر اجتماعی و با داستانی ملتهب، ماجرابی از یک پرونده فساد اقتصادی را روایت می‌کند و به شرکت‌های صوری و فعالیت‌های اقتصادی غیرشفاف می‌پردازد. امیر آقایی، پانته‌آ پناهی‌ها، حسین مهری، حسین محجوب، پرویز فلاحی‌پور، خاطره اسدی و امیرحسین صدیق از جمله بازیگران این فیلم هستند.

بهروز مفید که او را بیشتر با تهیه‌کنندگی در سینمای کودک می‌شناسیم، این بار با یک فیلم اجتماعی و داستانی متفاوت به سینما بازگشته است. او درباره تازه‌ترین تجربه خود در کسوت تهیه‌کننده فیلم می‌گوید: من همچون گذشته علاقه‌ام ژانر کودک است

و این فیلم را به دلیل پیشنهاد بنیاد سینمایی فارابی پذیرفتم. البته در تلویزیون همیشه عمده فعالیت‌م حول محور داستان‌های اجتماعی بوده، اما چون موضوع «کارواش» به ژانری نزدیک است که به آن علاقه دارم، به‌عنوان تهیه‌کننده در این پروژه حاضر شدم.

وی در ادامه با اشاره به فضای داستانی این فیلم می‌گوید: پولشویی یکی از مسائل جدی در اقتصاد است که به سلامت این حوزه آسیب می‌زند و این فیلم نگاهی به فضای آلوده اقتصادی کشور دارد. برخلاف سایر آثار مشابه که معمولاً به طبقات بالای جامعه و مسئولان می‌پردازد، در این فیلم توجه ما روی بخش میانی فساد در جامعه است، بخشی که کمتر دیده می‌شود اما بسیار تعیین‌کننده است. در

نگاهی به «قمارباز» که یک درام معمایی را به فجر چهل‌وچهارم آورده است

دوئل با فشنگ مشقی!



البته بازی خشک و سرد کوروش تهمایی هم به این‌که ظن مخاطب و مأمور به احتمال جاسوس بودنش کم شود و او را فردی کم‌دست و پا و ساده‌لوح نشان دهد، کمک کرده است.

همان‌طور که اشاره شد بار فیلم‌بر دوش دیالوگ‌هاست و بار اصلی درام هم بر دوش آرمین رحیمیان که در نقش یک مأمور امنیتی، بازی به اندازه و خوبی دارد. او در جاهایی خوب بلد است که چطور مظنون را در دام بیندازد تا زبان به اعتراف

بگشاید اما آنچه سبب آزار مخاطب می‌شود، فقر فیلم‌نامه در مواجهه با رمزگشایی این پرونده جاسوسی است. ماجرا با وجود پیچیدگی‌های زیادی که دارد به شکلی بچه‌گانه و با یک اعتراف‌گیری ساده، حل می‌شود در حالی که فیلمساز در آغاز داستان، تلاش زیادی برای نمایش پیچیدگی در قصه دارد تا مخاطب به دنبال کدهایی برگردد که در پایان به باز شدن قفل پرونده کمک کند. فیلمساز به عمد از اکسسوار کم، طراحی صحنه و لباس با رنگ‌های سرد و خنثی و دکوری ساده برای دکوپاژ بهره می‌برد تا تمرکز بر کشمکش میان مأمور و مظنون بیشتر شود. حتی موسیقی فیلم هم با این‌که با اثری معمایی روبه‌رو هستیم، کم است و اتفاقات این موسیقی اندک، رازآلودگی فضا را تشدید می‌کند.

به هر حال کار کردن در یک لوکیشن محدود آپارتمانی با سختی‌های زیادی همراه است اما کارگردان از تک‌تک فضاهای خانه به خوبی استفاده کرده و از این محدودیت به نفع ملتهب کردن فضا بهره گرفته است، به طوری که طراحی صحنه، تودرتو بودن فضا و استفاده از رنگ‌های سرد به انتقال حس و سنگینی جو خانه منجر شده است. در مجموع قمارباز به عنوان تجربه نخست فیلم‌سازی محسن بهاری، با وجود ضعف‌هایی که دارد، اثری استاندارد و خوش‌ساخت است که می‌توانست با یک فیلم‌نامه قوی‌تر، مزه دلچسب تماشای یک درام معمایی سرا پا را به مخاطب بدهد اما در قواره یک اثر معمولی ماند.

ندارد و طرح آن را مصلحت نمی‌داند، ممکن است با مشکلاتی روبه‌رو شود و در ادامه فیلمساز درگیر می‌شود و یا ناچار است از روی برخی حرف‌ها سریع عبور کند. همین مسئله می‌تواند مخاطب را عصبی کند زیرا حس می‌کند بخشی از واقعیت به او گفته نشده است.

اما اگر تلاش کنیم به موضوعی بپردازیم که در عین حال که گریبانگیر جامعه است و جامعه را در بخش اقتصادی دچار بحران می‌کند به درستی با آن درگیر شویم قطعاً می‌توانیم نتیجه خوبی بگیریم. در حقیقت تلاش کردیم به سراغ موضوعی نرویم که با نهادهای حکومتی به چالش بخوریم اما در عین حال موضوع اساسی و روز جامعه باشد و در عین حال به‌طور صحیح و مؤثر با آن درگیر شویم و نتیجه‌اش این است که مخاطب اذیت نمی‌شود و فکر نمی‌کند که بعضی مسائل گفته نشده است.

■ «کارواش» حرف برای گفتن دارد

مفید در ادامه به ارزیابی خود از میزان موفقیت و تأثیرگذاری فیلم و جذب مخاطب اشاره می‌کند و می‌گوید: این فیلم با سرعت زیادی ساخته شد و فرصت پیش تولید محدودی داشتیم، اما همه دست به دست هم دادند و تلاش کردند تا کار به نتیجه برسد. من شخصاً هدفم از حضور در جشنواره گرفتن جایزه نیست و نمی‌دانم فیلم‌های دیگر در چه سطحی هستند. اما اگر بخواهم این فیلم را با مختصات خودش ارزیابی کنم، به نظم «کارواش» فیلمی است که بیننده احساس می‌کند حرفی برای گفتن داشته و وقتش با تماشای آن تلف نشده است. وی همچنین درباره حذف هیئت انتخاب اظهار می‌کند: در جشنواره‌های بین‌المللی هم شاهد چنین روندهایی هستیم و هر دو مدل آن وجود دارد. به نظرم آنچه در هر دو شکل آن مهم است عملکرد هیئت انتخاب و دبیر جشنواره است. به نظرم اگر نقدی داشته باشیم، باید آن عملکرد را نقد کنیم. ماهیت آن یک ساختار است که در فضای بیرونی هم همیشه بوده و اتفاق نوظهوری هم نبوده است.

علم به این موضوع و جوانب آن، کار را انجام دادیم. معتقدم اگر فیلمساز به سراغ موضوعی برود که بدنه سیستم تحمل آن را

پولشویی یکی از مسائل جدی در اقتصاد است که به سلامت این حوزه آسیب می‌زند و این فیلم نگاهی به فضای آلوده اقتصادی کشور دارد

درباره آخرین ساخته رسول صدراعملی که فضایی فانتزی و سرخوشانه دارد

لذت قایق‌سواری در تهران



کریمی | معمولاً تهران در بسیاری از فیلم‌ها فراتر از یک لوکیشن برای روایت است و آثار شاخص بسیاری هستند که تهران در آن‌ها نه تنها هویتی مستقل دارد بلکه جهان داستان نیز از دل همین جغرافیا زاده می‌شود. عمده روایت‌هایی که در تهران شکل می‌گیرند و اجازه می‌دهند شهر هویت زیستی خود را حفظ کند بازتابی از فضای پرتنش، تضاد طبقاتی و ترافیک‌های سرسام‌آوری هستند که با ماهیت این شهر پیوندی ناگسستنی دارند.

اما «قایق سواری در تهران» از کنار همه تلخی‌ها، تنش‌ها و زمان ترمزبریده در این شهر عبور کرده و با لحنی نرم و طنزآلود، به آرامی در حال پارو زدن در اتوبان‌ها و خیابان‌هایی است که حتی سرازیر شدن برتقال‌ها هم می‌تواند آن را بند بیاورد!

«قایق‌سواری در تهران» همکاری مجدد پیمان قاسم‌خانی و رسول صدراعملی، ۲۵ سال پس از «دختری با کفش‌های کتانی» است. فیلم قصه چند دوست و هم‌دانشگاهی سال‌های دور را روایت می‌کند که طبق قراری قدیمی در روزهای پایانی اسفند با هم دیدار می‌کنند. مازیا را با بازی پیمان قاسم‌خانی، سال‌ها پیش مهاجرت کرده و حالا از آمریکا به ایران بازگشته تا با دختری جوان ازدواج کند. جابه‌جا شدن گوشی موبایل او با دوست قدیمی‌اش هدیه با بازی سحر دولت‌شاهی، با اتفاقاتی همراه می‌شود که زندگی هر دو آن‌ها را به‌طور غیرمنتظره‌ای دستخوش تغییر می‌کند. فیلم که در مؤسسه تصویر شهر و سازمان حمل و نقل و ترافیک تهران تولید شده، قرار است یک روز پرماجرا را در تهران رقم بزند؛ فیلم با ریتمی سرخوش قصه را پیش می‌برد و مجموعه‌ای از اتفاقاتی که روی کاغذ می‌توانند به کلک‌سیونی از اعصاب‌خردی تبدیل شوند، در اجرا رنگ و بویی بازمه و ملایم به خود می‌گیرند. پیمان قاسم‌خانی با ظرافت و زیرکی توانسته اتفاقات و جفت و بست داستانی را در فیلم‌نامه‌اش کنار هم قرار دهد و رضایت سفارش‌دهنده را هم لحاظ کند. نمونه آن بیمارستان هاشمی است؛ قاسم‌خانی با یک داستان بازمه که اتفاقاً خوب هم از آب درآمده نخستین مأموریت را انجام می‌دهد و به مخاطب می‌رساند که هم بیمارستان هاشمی نژاد داریم هم بیمارستان هاشمی رفسنجان! از گرفتن شناسنامه از اداره ثبت احوال تا یک تور کوچک و جمع و جور از گشت‌زنی در اداره پست و نمایش روند مکانیزه شدن امور تا برخورد مسئولانه و مهرآمیز پرسنل اداره پست هم مأموریت دیگری است که آن‌ها هم به سرانجام رسانده، هر چند که گهگاه یادآور فیلم‌های تبلیغاتی هم می‌شود.

در نهایت، قایق‌سواری در تهران داستانی روان و سراسر است دارد؛ فیلمی که خود را درگیر گره‌های کور و موقعیت‌های عجیب و غریب نمی‌کند و فضای فانتزی و سرخوشانه اثر اجازه می‌دهد اتفاق‌ها پیش بروند و بحران نشوند و مخاطب هم خودش را خیلی درگیر منطق روایی داستان نمی‌کند. اگرچه سفرایشی بودن اثر تازه صدراعملی در بسیاری از مقاطع فیلم بیرون می‌زند، اما در مجموع، قایق سواری در تهران یک کمدی اجتماعی ساده و خوش‌ریتم است که می‌تواند در اکران عمومی موفق و گزین‌ه خوبی برای انتخاب خانواده‌ها باشد.